

آتش دائم

منتخبی از گفتارهای ربای لوباویج

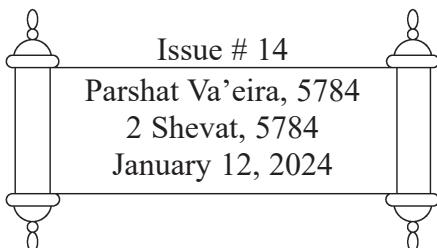
ربی مناخ مندل شینرسون ترجمه کتاب

از ربی جانادان ساکس. ام. ا. (کتاب) دکترای فلسفه
ترجمه فارسی بوسیله
پرویز مژده‌ی

Translated into Farsi by:
Mr. Parviz Mojdehi

*

Reprinted with permission by:
Chabad Persian Youth
&
Moshiach Awareness Center



Friday, January 12, Light Shabbat Candles, by 4:45 p.m.
Saturday, January 13, Shabbat ends at 5:50 p.m.
(Times are for Los Angeles)

در زندگی درونی انسان نیز موجود است. بالا که بصورت سمبلیک عقل و دانش خوانده شده است به زمینه عمل کشانده شد. و پائین که (بصورت سمبلیک پذیرش کامل خواسته خداوند - قبلات عول) پاشنه یعقوب خوانده شده است به بالا رفت تا بدانجا که عقل را بنحوی صورت بخشید که به ایمان بدون قید و شرط تبدیل شد.

و این درسی است برای هر فرد بیسrael که آنان که در بالاترین درجات روحانی هستند و آنان که در پائین ترین درجات هستند می باشند با یکدیگر همکاری کنند. سران طوایف شما می باشند پائین بیانند و خودشان را با جمع کنندگان چوب های شما و کشنده کان آب شما یکی کنند. آنها نیز می باشند خودشان را با یادگیری تورا و انجام میصوت بالا ببرند و هر فرد یهودی حتی اگر در میان سران جماعت نیز جای دارد نمی باشد آنچنان غرق و شیفته یادگیری بشود که از دیگران جدا شده و مانع بشود که او در مسائل دینی داخل شود و از آنها غافل بماند. این قدرت ایجاد وحدت مابین بالاترین ها و پائین ترین ها خصوصیتی است که از مشه به ما به ارت رسیده است. و این نوع عملکرد باعث شد شخصی همچون مشه رینو باعث آزادی ملت ما از مصر بشود و در وجود ما آن آزادی نهایی که همه مرزها را می شکند. یعنی آمدن ماشیح را فراهم کند. (منع لیکوتی سیخوت فصل سوم ص ۸۵۴ الی ۸۶۲) (Source: Likkutei Sichot, Vol. 3, pp. 854-862)

THIS ISSUE IS PRINTED IN LOVING MEMORY OF
Rabbi Ariel ה"ע ben - - Reb Shaltiel Zeev ר' שליט"א Rav-Noy
on the occasion of his 9th yahrtzeit, 8 Shevat, 5784
ת. ג. ב. ה.

*

DEDICATED BY CHABAD PERSIAN YOUTH
Rabbi Hertzl 'ש Peer
Los Angeles, California

TO DEDICATE AN ISSUE IN HONOR OF
A LOVED ONE, CALL (323) 934-7095

Reprinted with permission by:
CPY & **Moshiach Awareness Center,**
Chabad Persian Youth
9022 W Pico Boulevard.
Los Angeles, CA 90035
Tel.: (310) 777-0358
Fax: (310) 777-0357
<http://www.cpycenter.org>
e-mail: cpycenter@sbcglobal.net
Rabbi Hertzl Peer, Executive Director

a Project of:
Enlightenment For The Blind, Inc.
602 North Orange Drive.
Los Angeles, CA 90036
Tel.: (323) 934-7095 * Fax: (323) 934-7092
<http://www.torah4blind.org>
e-mail: yys@torah4blind.org
Rabbi Yosef Y. Shagalov, Executive Director

Printed in the U.S.A.

For this and other books on Moshiach & Geulah, go to: <http://www.torah4blind.org>

طرف "فرزندان مردان خدا اعمال نیک آنها هستند" ^{۲۴}. یعنی کسانی که از طریق عشق و احساس خداوند را عبادت می کنند این عبادت به عمل ختم شده و این اعمال در واقع فرزندان آنها خواهد خواهند شد.

از طرف دیگر حاصل همه اعمال آنها در فرزندان آنها موجود است . یعنی آنها خودشان را از دیگران جدا نکرند بلکه علاقه مند به راحتی و رفاه دیگران بودند و بنابراین ارزش هایشان را به فرزندانشان به عنوان یک میراث دائمی منتقل کردند.

این مطلب توضیحی است بر تفسیر راشی که چرا اوراهم، ایسحاق و یعقوب را پدران معرفی می کند که مطلبی است واضح و روشن که همه آنرا میدانند. در واقع چیزی که راشی با این مطلب می خواهد به ما بگوید این است که ظاهر شدن خداوند به آنها بخاطر این خصوصیت پدرانه آنها بوده و آنکه آنها مردانی بوده اند که فرزندانی از خود بجا گذاشته اند (چه این فرزندان اعمال خوب آنها تلقی بشود و چه فرزندانی که صفات خوب آنها را به ارث برده اند) بر طبق آنچه که تورا می گوید خداوند اوراهم را بخاطر آن دوست میداشت که "چونکه میدانم که او به فرزندانش و خانواده اش دستور خواهد داد که بعد از او راه و طریق خداوند رانگه بدارند". ^{۲۵}

۷- معنای جواب خداوند

بنابراین جوابی که خداوند به مُشه داد آن بود که اگر او شناخت خودش را از خداوند همچون شناخت پدران با عشق و احساس ترکیب کند بدون آنکه این خصوصیت شناخت خداوند از طریق دانش و حکمت را کنار بگذارد، به این ترتیب اولاً ایمان او بدون قید و شرط خواهد شد و دیگر سئوالی برایش مطرح نمی شود و ثانیاً او به مردمی تبدیل می شود که دانش خود را به عمل تبدیل کرده است.

در واقع ما می بنیم که مُشه ربنو در این زمینه نهایتاً به درجاتی بالاتر از پدران هم رسید. در حالیکه آنها زندگی شبانی ^{۲۶} داشتند و از دنیا بدور بودند مُشه ربنو تورا را ترجمه می کند و آنرا به دنیاعرضه می کند . و تا بدانجا بار جماعت یسrael را بدوش می کشد که به خداوند می گوید ^{۲۷} " به من می گویی آنها را در بغل خودت حمل کن؟" این طریق دوگانه ظهور خداوند در کوه سینای " زمانی که بالا به پائین آمد و پائین به بالا رفت ".

^{۲۴}- راشی آغاز پاراشای نووح، برشیت ریا ۶-۲۰-۲۵- برشیت ۱۸-۱۹ راشی ۱۸-۱۹

^{۲۵}- راشی دواریم ۱-۵ رسوتاً ۳۶ الف

^{۲۶}- بعیدبار ۱۱-۱۲

وائراء

بعد از آنکه خداوند مُشه را نزد فرعون فرستاد که از او بخواهد که یسrael هارا آزاد کند نه فقط درخواست او عملی نشد بلکه این عمل باعث شد که فرعون بردگی آنها را ساخت تر کند. بنابراین مُشه از خداوند می پرسد که «چرا به این قوم بدی کردی؟» جوابی که او میگیرد این است که او باید ایمانی همچون اوراهم، ایسحاق و یعقوب داشته باشد که هرگز خداوند را مورد سؤال قرار ندادند. این مبحث در مورد نوع ایمان پدران ما و این که چرا مُشه این عمل خداوند را مورد سؤال قرار میدهد سخن می گوید . و کاربرد جوابی که خداوند به مُشه میدهد را مطرح می کند.

۱- سؤال مُشه

در پایان پاراشای قبلی می خوانیم که "مُشه از خداوند می پرسد: چرا به این قوم بدی کردی؟" اهمیت این سؤال در این است که چگونه ماموریتی که خداوند دستور داده است و بوسیله مُشه انجام میشود. و در مورد آزادی از مصر می باشد . می تواند باعث اضافه شدن بیشتر رنج و بدیختی یسrael ها بشود؟ آزادی بخودی خود کاملاً چیز خوبی است ^۱" مُشه که عامل انجام این ماموریت است نیز عامل خوبی است" ^۲ و خداوند که فراهم کننده این آزادیست نیز مظہر خوبی است . بنابراین علت این اضافه شدن بیشتر "رنج و بدیختی یسrael ها چه بود؟" ^۳ .

و جوابی که خداوند به مُشه می دهد در آغاز این پاراشا آمده است که " خداوند به او گفت من خداوند هستم و من به اوراهم، ایسحاق و یعقوب با نام خداوند قادر مطلق (کل شدای) ظاهر شدم امانام من چهار حرفي ام راه آنها شناساندم". ^۴ به عبارت دیگر خداوند مُشه را مورد عتاب قرار داده و می گوید که اوراهم، ایسحاق و یعقوب تحت بسیاری از سختی ها و آزمایش ها قرار گرفتند با این حال هیچگونه سؤالی از من نکردند.

اما در مودر این جوابی که خداوند به مُشه میدهد نیز چندین سؤال وجود دارد.
الف: مُشه ربنو به مقام بالاتری از مقام پدران مارسیده بود. او هفتمین نسل از زمان اوراهم بوده

^۱- تورا اور- وازا ۵۶ د- ۲- شموت ۲-۲ سوطاً ۱۳ الف

^۲- لیکوتی تورا ص ۱۲ ج

^۳- زوهر خادش آغاز بیترو

و ربانیم گفته اند که "همواره هفتمین ها مقدس و عزیز هستند" ^۵ حال که آنها اعمال خداوند را مورد سؤال قرار نداده بودند آیا مشه هم نمی باشد اعمال خداوند را مورد سؤال قرار دهد؟ ب: خداوند در جوابش به مُنتهٰ عظمت پدران را توصیف می کند بنابراین می توانست بگوید که من «به اوراهام، بیسحاق و بیسرائل ظاهر شدم» چرا که نام بیسرائل اشاره به حالت روحانی بالاتری می کند تا نام یعقوب ^۶ چرا خداوند می گوید من به اوراهام بیسحاق و یعقوب ظاهر شدم؟

ج: همه مطالب تورا دارای یک درس اخلاقی برای هر فرد یهودیست ^۷ و تورا از طریق معمول خودش خارج می شود تا یک کلمه ناخوشایند در رابطه با حیوانات بکار نبرد ^۸ چه برسد به در رابطه با یک فرد بیسرائل و چه برسد در رابطه با مشه که انسانی در حد و درجه و کمال بود. بنابراین ما می باشد به این نتیجه برسیم که خداوند مشه را مورد سرزنش قرار میدهد حتما برای این کار یک دلیل بسیار قوی وجود دارد و آن تنها تاکید بر این مطلب نیست که او می باشد پدران را سمبول خود قرار بدهد.

ولی درک این مطلب بسیار مشکل است برای آنکه ما میدانیم که هر فرد یهودی در هر دوره ای این آزادی انتخاب را دارد که یا همچون مشه ربنو رفتار کند و یا همچون پدران ما این درست است که ربانیم ما گفته اند ^۹ "دوره ای وجود ندارد که در آن مردان بزرگی همچون اوراهام ایسحاق و یعقوب و مُشه وجود نداشته باشند". ولی این مطلب فقط به افراد جدا شده و بخصوصی اشاره می کند . ولی تورا به همه بیسرائل ها داده شده است و در "مورداکریت صحبت می کند". پس بنابراین چگونه این مطلب که هر فرد بیسرائلی این آزادی انتخاب را دارد که یا مثل پدران رفتار کند و یا مثل مُشه در مورد همه افراد بیسرائل صدق می کند؟ و ما چگونه می توانیم بگوئیم که در این مورد خاص (مورد سؤال قرار دادن اعمال خداوند) همه آنها می باشد همچون پدران رفتار کنند و نه همچون مُشه؟

۲- مُشه و پدران

تفاوت مُشه و پدران ما اوراهام و بیسحاق و یعقوب ، در این است که مشه سمبول عقل و دانش (حوخما) بوده و در نتیجه از طریق او بود که تورا که عقل و دانش الهی می باشد به بیسرائل ها

^۶- برای توضیح بیشتر رجوع شود به ص ۴۵ همین کتاب

^۵- ویقارا ۱۱-۲۹

^۸- پاسخیم الف توضیح بیشتر در ص ۹

^۷- زوهر بخش سوم ۵۳ ب

^۹- برشیت ربا ۷-۵۶

که سؤالی را مطرح نمی کند. و به همین علت است که خداوند در ذکر نام پدران از نام یعقوب استفاده می کند و نه بیسرائل و نام یعقوب اشاره به سطح معنویتی می کند که از نام بیسرائل پائین تر است . (در عبری کلمه «یعقوب» با کلمه «عquo به معنای پاشنه پا» در رابطه است . و کلمه بیسرائل از کلمات «لی روشن» ترکیب شده است که به معنای "سراز آن من است" می باشد) ^{۲۳} و معنی ضمنی آن برای مشه آن است که عقل و دانش او می باشد احساس و عاطفه او را در بر گیرد و یا با قدرت ایمان او "قبالت اعلٰی" ترکیب بشود. معرفت و دانش می باشد احساس و عاطفه یکی شده در یکدیگر نفوذ کرده و برهم تاثیر بگذارند.

۵- دانش و عمل

داشتن احساس و عشق نه فقط باعث میشود که انسان دارای ایمانی بشود که ورای سؤال قرار می گیرد بلکه این ایمان به عمل نیز منتهی میشود. عشق و عاطفه باعث میشود که انسان خوبی کند و ترس باعث میشود که "انسان از بدی پرهیز" ^{۲۴} کند. اما عقل و دانش به تهایی به اتزروا و گوشه گیری انسان منجر می شود . زمانی که قوای فکری انسان مشغول یادگیری میشود انسان علاقه خود را به عمل از دست داده و حتی اگر چه او می آموزد که چگونه عمل کند ولی دیگر علاقه ای به عمل نشان نمی دهد.

به همین علت است که ربانیم هشدار داده اند که "کسی که می گوید من کاری ندارم که انجام بدهم بجز یادگیری تورا چنین شخصی از تورا چیزی نمی داند". و معنای این موضوع این است که یادگیری تورا به "نهایی" باعث میشود که رابطه انسان با دنیا قطع شود. پس یک چنین شخصی باید یادگیری اش را با عبادت عملی و احساس و عاطفه نسبت به دیگران توانم کند. مطالعه و یادگیری به تهایی و بدون عمل یک یادگیری واقعی و حقیقی نمی باشد.

۶- پدر و فرزند

به همین علت است که اوراهام ایسحاق و یعقوب که راه اصلی عبادتشان از طریق احساس عاطفه و عشق بوده است پدران ما خوانده شده اند. پدر کسی است که فرزند را ایجاد می کند. و از یک

^{۲۳}- تنبیه اول فصل ۴

و غالب عبادت پدران^{۲۰} ماز طریق احساس بوده است. صفتی که هر فرد یسrael آنرا از آنها به ارت برده است.

۳- سؤال مُشه

حالا ما می توانیم این مطلب را درک کیم که چرا مُشه علی رغم دستیابی به مراحل بالاتری از روحانیت در مقایسه با پدران، اعمال خداوند را اینگونه مورد سؤال قرار میدهد، به این علت که یک انسان عقلانی خواهان آن است که علت همه چیز را درک کند. وزمانی که به موضوعی برخورد می کند که نمی تواند آنرا بفهمد این موضوع همچون دیواری میشود که مانع پیشرفت بیشتر او در عبادت خداوند میگردد. مشه خواهان جواب بود و برای آنچه که نمی توانست درک کند توضیح می خواست. و این توضیح و جواب او را باری میکرد که بتواند عبادتش را از طریق دانش و عقل ادامه دهد.

۴- ایمانی که در آن سؤالی نیست

و جوابی که او می گیرد این است که "من خداوند هستم و من به اوراهام، ایسحاق و یعقوب به عنوان خداوند (کل شدی) قادر مطلق ظاهر شدم اما نام من (نام چهار حرفی) را به آنها نشناساندم". قل از اهداء تورا خداوند تنها به عنوان «الوکیم» که نوع محدودی از ظهور خداوند و نشان دهنده ظهور خداوند در محدوده جهانی که دارای پدیده های متفاوت است ظاهر میشود.^{۲۱} و به همین علت کلمه الوکیم بصورت جمع آمده است. ولی بعد از اهداء تورا در سینای خداوند بصورت نام چهار حرفی اش که به معنی بینهایت و ورای همه تقسیمات و پدیده های متفاوت است ظاهر میشود که در این حالت تقسیمات و تقاوتش ازین رفته و تقسیم بندی مابین بالا و پائین و مابین احساس و عقل محظوظ شود.^{۲۲}

به این ترتیب آنچه که خداوند به مُشه می گوید این است که: زمانی که تو در آستانه آزادی قرار می گیری که نتیجه آن اهداء تورا می باشد. تو می بایست از این تقسیمات ظاهری مابین عقل و احساس پافراتر بگذاری. و حتی اگر چه تو در درجه اول مرد دانش و حکمت هستی این حالت تو می بایست با قدرت احساس و محبت ترکیب شود تا ایمانی را درست کند

داده شد و پدران ما در مقایسه با او مظهر و سابل صفات نیک و احساسات (میدوت) بودند. اوراهام خداوند را در درجه^{۱۰} اول از طریق احساس عشق و محبت عبادت میکرد و او به عنوان "اوراهام دوستار من"^{۱۱} خوانده شده است. و رفتارش با انسانهای دیگر همچون با خداوند با نوعی محبت و عشق چه مادی و چه معنوی. توأم بود. بیسحاق مظهر عبادت خداوند از طریق هیبت و قضاؤت بود. در تورا از خداوند به نام هیبت بیسحاق یاد می کند^{۱۲} در نتیجه بیسحاق نمی توانست هیچگونه بدی را در جهان تحمل کند. "چشمان او زمانی که از بیت پرستی زنان عساو مطلع شد، ضعیف شد".^{۱۳} وبالآخره یعقوب نماینده رحم و شفقت می باشد که ترکیب کاملی ایست از عشق، هیبت، محبت و قضاؤت، پاسوق "خدای پدران من خدای اوراهام و هیبت بیسحاق با من بود". به معنای آن است که او دارای هر دو نحوه عبادت اوراهام و ایسحاق بود بنابراین تمامی اعمالش کامل بودند. چه در مقابله با وسوسه ثروت (محبت الهی) در زمانی که بالا وان زندگی میکرد. و "آن مرد یعقوب بسیار بسیار ثروتمند^{۱۴} شد". و چه در مقابله با مسائل و مشکلات (دین) در زمانی که عساو با چهار حد نفر به مقابله با او آمده بود. در تمامی اینها "یعقوب آوینو" کامل بود^{۱۵} و در حد کمال رفتار میکرد. و "یعقوب به سلامتی و کمال به آنحر رسید".^{۱۶}

این به معنای آن نیست که ما صفات دانش و حکمت را در پدران و صفات احساس و عشق را در مُشه پیدا نمی کنیم پدران ما تورا می آموختند همانگونه که ربانیم گفته اند^{۱۷} خداوند به اوراهام بجای یک کلیه دو کلیه داده بود که همچون دو مرد عاقل به او عقل و دانش را آموزش داده به او مشورت میدادند^{۱۸}. "از زمان پدران مایشیوها هرگز از میان آنها ازین نرفت". بلکه مُشه سابل و نمایانگر هر دو صفت رحم و شفقت و قضاؤت و دین می باشد. تورا در مورد مُشه می گوید و "مُشه رنج و مشقت آنها را دید"^{۱۹} "چشمان او و قلش برای بنی یسرائل متاثر میشند" و این نمایانگر احساس رحم و شفقت اوست . و همچنین زمانی که فرد یسرائلی را مورد سرزنش قرار می دهد و می گوید. "چرا رفیقت را میزنی"^{۲۰}؟ این مطلب نشان دهنده صفت قضاؤت و دین در اوست. ولی با این حال صفت بارز و غالب مُشه ربنو علم و دانش او بود به همین خاطر بود که او تورا را به ایسrael هادا و تورا به نام او خوانده شده است. همانطور که گفته شده است "بیاد بیاورید تورا مشه بنده ام را"^{۲۱} و نحوه بارز

۱۰- یشعیا ۴۱-۸ ۱۱- برپشت ۲۷-۱ ۱۲- ۳۱، ۴۲- راشی برپشت ۲۷-۱ ۱۳- ۳۰-۴۳- برپشت ۲۳-۱۸ ۱۴- برپشت ۲۳-۱۸ شیوه ۲۲۳

۱۵- آوت و ربی نatan آغاز فصل ۳۲- برپشت ربا آغاز فصل ۶۱ تخریما، ویگش فصل ۱۲- یوما ۲۸ ب، ربیام

۱۶- هیلخوت عودا زارا پایان فصل ۱ ۱۷- شmot ۲-۱۱ ۱۸- شmot ۲-۱۳ ۱۹- ملاخی ۳-۲۲

۲۰- ربیام هیلخوت آول، ۱۴-۲۱ به همین ترتیب نام "شدی" نشانگر آن صفاتی از خداوند است که در دنیا

۲۱- محدود ظاهر میشود، برپشت ربیام ۲-۲۲ شmot ربیام ۲-۲۳